

درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

تاریخ: ۱۸ فروردین ۱۳۹۳

مصادف با: ۷ جمادی الثانی ۱۴۳۵

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع (مقام دوم: وجوه تصویر جامع - وجه چهارم)

جلسه: ۹۲

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در وجوه تصویر جامع علی القول بالصحیح بود، عرض کردیم بنا بر قول به صحیح و قول به اعم گفته شده تصویر جامع لازم است چون موضوع له الفاظ عبادات یک معنای عامی است که این مطلب اقتضاء می کند یک جامعی بین افراد صحیح علی القول بالصحیح و علی القول بالاعم تصویر شود. بنا بر قول به صحیح وجوه مختلفی برای تصویر جامع بیان شده که ما به تصویر محقق خراسانی و محقق اصفهانی اشاره و آنها را مورد بررسی قرار دادیم، وجه سومی هم برای تصویر جامع ذکر و مورد بررسی قرار گرفت که در کلمات مرحوم آقای خوبی به آن اشاره شده بود.

وجه چهارم (محقق عراقی):

ایشان می فرماید: ما نه جامع مقولی ذاتی می توانیم ارائه کنیم، نه جامع صوری و عنوانی و نه جامع بر طبق آنچه محقق اصفهانی گفته است بلکه جامع بین افراد صحیح در این مقام یک جامع وجودی است. به نظر ایشان در بین هر یک از مقولات متعدد از عبادت صحیح یک جهتی وجود دارد که مشترک بین اینهاست؛ مثلاً در مورد صلاة، مقوله نماز مسافر با نماز حاضر مختلف و متباین است، نماز غرقی با نماز مضطجع (کسی که خوابیده نماز می خواند) دو مقوله متفاوتند ولی در بین همه این مقولات یک جهت مشترک است و آن هم جهت وجودی اینهاست و ما از این مقولات آن جهت وجودی را اخذ می کنیم، برای اینکه بخواهیم جهت وجودی را اخذ کنیم ناچاریم آن حدودی که مقوم خصوصیات این مقولات است را ملغی کنیم، نماز غرقی یک خصوصیتی داشته که مختص خودش بوده و به خاطر آن خصوصیت نماز غرقی نام گرفته، صلاة عید هم یک خصوصیتی داشته که صلاة عید نام گرفته، حال ما می گوییم اگر جهت خاص همه نمازهای صحیح را ملغی کنیم در یک جهت مشترکند و آن هم جهت وجودی این نمازهاست، پس جهت وجودی مشترک بین این مقولات با الغاء حدود و امتیازات خاصه ای که مقوم هر یک از این مقولات است مشخص می شود؛ مثلاً اگر حد و ویژگی خاص نماز غرقی، نماز عید، نماز جمعه، نماز یومیه و امثال آن را ملغی کنیم می بینیم که همه این مقولات در یک جهت اشتراک دارند که یک جهت وجودی است.

البته این جهت وجودی هم مبهم و کلی نیست و برای اینکه معلوم شود این جهت وجودی چیست یک حدی را تعیین می کنیم که آن حد عبارت است از اینکه این وجود باید مشتمل بر یک اجزاء و ارکانی باشد که فعل صلاتی بر آن صدق کند؛ مثلاً در مورد صلاة می گوییم صلاة عبارت است از یک رتبه خاصه ای از وجود که دارای یک حد است و آن حد عبارت

است از اینکه مثلاً در این دایره باشد و مشتمل بر ارکان باشد، یعنی همه این مقولات یعنی صلاة صحیح از صلاة غرقى، صلاة صحیح از صلاة یومیه، صلاة صحیح از صلاة جمعه و امثال آن یک مرتبه‌ای از وجود ارکان و اجزاء هستند و همه این مقولات در این جهت مشترکند، نماز غرقى هم یک سری اجزاء و ارکان دارد، نماز عید، نماز جمعه، نماز یومیه و امثال آن هم یک سری اجزاء و ارکان دارند لذا همه این نمازها در این جهت مشترکند و این یک جهت وجودی است که در همه این مقولات جاری و ساری است.

ایشان برای اینکه مسئله روشن‌تر شود ما نحن فیه را به کلمه تنظیر می‌کند، شما وقتی می‌خواهید مفهوم کلمه را تبیین کنید چه می‌گویید؟ با این که کلمه سه قسم است که عبارتند از: اسم، فعل و حرف و این سه قسم سه مقوله متباین هستند اما وقتی این سه قسم می‌خواهند تبیین شوند و تحت عنوان کلمه قرار گیرند گفته می‌شود: کلمه عبارت است از چیزی که مشتمل بر یک حرف یا دو حرف و بیشتر از حروف تهجی است، مثلاً واو یک کلمه است که از یک حرف تشکیل شده است، لذا عنوان کلمه یک جامعی است که هر سه قسم اسم، فعل و حرف را در بر می‌گیرد و یک جهت وجودی هم می‌باشد. در باب الفاظ عبادات و معاملات هم مطلب از همین قرار است، یعنی بنا بر قول به صحیح هم که می‌گوید: الفاظ عبادات و معاملات برای خصوص عبادت و معامله صحیح وضع شده‌اند ادعا می‌کنیم آن جامعی که بین همه نمازهای صحیح به عنوان موضوع‌له در نظر گرفته می‌شود یک جهت وجودی و یک مرتبه‌ای از مراتب وجود آن عبادت صحیح مثل نماز است که این مبهم محض نیست و مشترک بین همه نمازهاست و در عین حال از بعضی جهات معین و معلوم است، آن حدودات خاصه‌ای که باعث می‌شود هر کدام از افراد صلاة به یک مقوله تبدیل شوند ملغی شده یعنی آن ویژگی که باعث شده یکی نماز غرقى، یکی نماز عید و دیگری نماز یومیه شود ملغی شده و همه اینها یک حداقلی از اجزاء و ارکان را دارند و وجود ارکان و اجزاء در همه این مقولات ساری و جاری است، بله از طرف غیر ارکان مبهم محض‌اند؛ مثلاً ما پنج رکن داریم، می‌گوییم نماز صحیح آن نمازی است که مثلاً مشتمل بر پنج رکن و هفت جزء باشد. آن خصوصیتی را که مقوم یک ماهیت خاص است را ملغی می‌کنیم ولی این وجود باید داری حدی باشد تا بتواند همه نمازهای صحیح را در برگیرد و آن حد عبارت است از چیزی است که مثلاً مشتمل بر پنج رکن و هفت جزء باشد. البته همه این نمازها دارای آثاری مثل ناهی از فحشاء و منکر بودن، معراج مؤمن بودن و امثال آن هم هستند. اما در مورد غیر ارکان که وجود آنها از اهمیت چندانی بر خوردار نیست می‌گوییم مبهم محض می‌باشند.

پس طبق این بیان مفهوم صلاة همانند مفهوم کلمه است، یعنی همان طور که مفهوم کلمه عبارت است از چیزی که مشتمل بر یک یا دو حرف و بیشتر از حروف تهجی می‌شود جامعی هم که بین همه نمازهای صحیح به عنوان موضوع‌له در نظر گرفته می‌شود یک جهت وجودی و یک مرتبه‌ای از مراتب وجود آن نماز صحیح است که این مبهم محض نیست و مشترک بین همه نمازهاست و در عین حال از بعضی جهات معین و معلوم است، یعنی آن حدودات خاصه‌ای که باعث می‌شود هر کدام از افراد صلاة به یک مقوله تبدیل شوند ملغی شده و آن ویژگی که باعث شده یکی نماز غرقى، یکی نماز عید و دیگری نماز

یومیه شود ملغی شده و همه اینها یک حداقلی از اجزاء و ارکان را دارند و وجود ارکان و اجزاء در همه این مقولات ساری و جاری است.

ایشان مثال دیگری را هم ذکر می‌کند و آن جمع است که در مقابل تننیه و مفرد قرار دارد که عبارت است از هر سه تا و چهارتا و بیشتر، بله مراتب جمع از حیث قلّت و کثرت متفاوت است، سه یک مرتبه از جمع است، میلیون یک مرتبه و میلیارد هم مرتبه دیگری از جمع‌اند ولی همه اینها جمع هستند و همه اینها تحت عنوان جمع قرار می‌گیرند و هیچ مجازی هم صورت نگرفته است، حال در مورد صلاة هم مطلب از همین قرار است و «صلاة» بر هر فردی از افراد صحیح صلاة صدق می‌کند، مثلاً صلاتی که شخص عالم مختار در شرائط طبیعی انجام می‌دهد صلاة است و صلاتی هم که توسط غرقی خوانده می‌شود صلاة است هر چند که این مصادیق از حیث کمیت و کیفیت با هم متفاوت هستند اما این اختلاف در کمیت و کیفیت موجب تفاوت در جهت وجودی مشترک بین همه افراد صلاة صحیح نمی‌شود مثل انطباق کلی متواطی بر افرادش، مثل اینکه عنوان نور هم بر نور خورشید منطبق است و هم بر نور شمع و هر دو هم حقیقتاً نور محسوب می‌شوند و وجودی که نور خورشید دارد عیناً همان وجودی است که نور شمع دارد لکن مرتبه نور خورشید شدیدتر از مرتبه نور شمع است و این اختلاف باعث نمی‌شود که وجود نور خورشید وجود نوری باشد ولی وجود نور شمع وجود نوری نباشد.

پس طبق نظر محقق عراقی جامع عبارت است از یک جامع وجودی و یک جهت وجودی که بین همه مقولات وجود دارد و اساساً از همه مقولات متعدد آن حقیقت و ماهیت اخذ شده لکن حدودات خاصه‌ای که مقوم این مقولات متباینه است ملغی شده و در عین حال یک حدی هم برای این وجود تعیین شده و آن این است که از دایره فعل صلاتی خارج نشود و یک حداقل‌هایی را داشته باشد اما نسبت به زائد بر آن حداقل‌ها لایبشرط است و به خاطر همین است که نماز غرقی هم نماز صحیح محسوب می‌شود و نماز انسان عالم مختار در حال طبیعی هم نماز صحیح است، چون آن جهت وجودی در همه افراد صلاة صحیح وجود دارد اما این جهت وجودی مبهم و کلی نیست بلکه حد آن جهت وجودی معین و مشخص شده و آن این است که حداقل‌هایی از ارکان و اجزاء را داشته باشد و از دایره فعل صلاتی خارج نشود که آن ارکان به اختلاف حالات مکلفین مختلف می‌شود؛ مثلاً آن رکن برای غرقی یکی است ولی برای غیر غرقی پنج‌تاست لذا عنوان صلاة بر همه افراد صلاة صحیح منطبق می‌شود، از ناحیه غیر ارکان هم مبهم محض و لایبشرط است.

پس محقق عراقی می‌گوید: «علی هذا فتلخص أن حقيقة الصلاة التي رتب عليها غرض التكميل لا تكون الا عبارة عن معنى بسيط وحداني لا يكون بجوهر و لا عرض بل مرتبة خاصة من الوجود من المقولات الخاصة بعد الغاء خصوصيات الحدود و المقولات المحدودة بكونها من اول التكبير الى اخر التسليم مثلاً و لها جهة كلية بالنسبة الى افراد العرضية ينطبق عليها بنحو التواطى و كلية بالقياس الى الاجزاء و الافراد الطولية ينطبق عليها بنحو السريان و التشكيك»؛ حقیقت صلاة عبارت است از یک معنای بسیط وحدانی که نه جوهر است و نه عرض یعنی ماهیت نیست بلکه مرتبه‌ای خاص از وجود از مقولات خاصه است لکن حدودات خاصه‌ای که مقوم این مقولات متباینه است ملغی شده و در عین حال یک حدی هم

برای این وجود تعیین شده و آن این است که از دایره فعل صلاتی خارج نشود که همه افراد عرضی مثل نماز یومیه، نماز عید، نماز جمعه و امثال آن را در بر می‌گیرد و همه افراد طولی مثل نماز عالم مختار در حال طبیعی و نماز غرقی را هم در بر می‌گیرد و همان طور که به همه نورها اعم از نور ضعیف و نور شدید نور گفته می‌شود به همه افراد صحیح از صلاة هم صلاة گفته می‌شود و عنوان صلاة همه نمازهای صحیح را شامل می‌شود و همه افراد نماز صحیح یک جهت وجودی دارند که با هم مشترک است اما مرتبه آنها با هم فرق می‌کند و آن جهت وجودی مشترک بین همه مقولات صلاة صحیح همان جامع است.

پس طبق نظر محقق عراقی جامع، یک جامع عنوانی مثل عنوان «الناهی عن الفحشاء و المنکر» نیست، جامع حقیقی ذاتی هم نیست آن گونه که محقق خراسانی به آن قائل شده بود، جامع مرکب هم که محقق اصفهانی به آن معتقد شده نیست بلکه یک جامع وجودی است نه جامع ماهوی.^۱

بحث جلسه آینده: وجه چهارم (نظر محقق عراقی) به نظر ما محل اشکال است که اشکالات این وجه را ان شاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. مقالات الاصول، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۴؛ نه‌ایة الافکار، ج ۱، ص ۸۱-۸۴.